View the original article

فراتر از خبر

چرا ۴۰۰ استاد بازنشستهٔ اجباری دانشگاه فرهنگیان خانه‌نشین و فراموش شده‌اند؟

رادیو فردا

۰۵/آذر/۱۴۰۵



بیش از دو سال پس از بازنشستگی اجباری حدود ۴۰۰ عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان، گزارش‌ها حاکی است که این پرونده همچنان به نتیجه نرسیده است. روزنامه شرق در گزارش تازه‌ای از ابعاد حقوقی و انسانی این ماجرا، از جمله بی‌توجهی به دستورها و پیگیری‌های نهادهای رسمی، بلاتکلیفی استادان و محرومیت شماری از آنان از حقوق و بیمه درمانی پرده برداشته است.

این در حالی که نظام آموزشی ایران با کمبود معلم روبه‌رو است و فعالان صنفی می‌گویند که این وضعیت بر کیفیت آموزشی در ایران تأثیر می‌گذارد.

ماجرا چیست و از چه زمانی آغاز شد؟

تیرماه ۱۴۰۳، دانشگاه فرهنگیان، در اقدامی ناگهانی و پیش از پایان نیم‌سال تحصیلی، حکم بازنشستگی حدود ۴۰۰ نفر از اعضای هیئت‌علمی باسابقه خود را صادر کرد.

از آن زمان، تلاش‌های بسیاری شد از جمله ارسال نامه‌هایی به مسعود پزشکیان، مجلس و دیوان عدالت اداری، تا این استادان به کار خود بازگردند و حقوق استخدامی‌شان رعایت شود؛ اما اکنون روزنامه شرق گزارش می‌دهد که با وجود صدور نظرها و دستورهای حقوقی به نفع این استادان و حتی دستور کتبی رئیس‌جمهور، بخش عمده‌ای از آنان همچنان به کار بازنگشته‌اند.

احمدرضا نجفی که یکی از این استادان به روزنامه شرق گفت که مسعود پزشکیان ۱۸ آبان ۱۴۰۵ در دستوری کتبی به علیرضا کاظمی، وزیر آموزش‌وپرورش، خواستار اقدام بر اساس رأی دیوان عدالت اداری و نظر معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری شد و در حالی که دیوان عدالت اداری به نفع او رأی قطعی صادر کرد، دانشگاه حکم بازنشستگی او را لغو کرد؛ آن هم پس از حدود ۱۶ ماه بلاتکلیفی.

به گفته نجفی، این تصمیم فقط به او مربوط می‌شد و سایر استادان همچنان تعیین تکلیف نشده‌اند.

بر اساس این گزارش، برخی از استادان بازنشسته نیز ماه‌ها بدون حقوق و بیمه درمانی مانده‌اند و ناچار شده‌اند برای تأمین معاش به مشاغلی خارج از تخصص خود روی بیاورند.

پیش از هر چیز این پرسش مطرح است که آیا بازنشسته کردن یک‌باره حدود ۴۰۰ عضو هیئت‌علمی، بدون بررسی جداگانه وضعیت استخدامی، سوابق و شرایط هر فرد، با اصول حاکم بر نظام استخدامی کشور سازگار است؟

اسماعیل عبدی، زندانی سیاسی پیشین ساکن آلمان که پیشتر در ایران معلم بوده و اکنون عضو شبکه همبستگی معلمان برای ایران است، در گفت‌وگو با رادیو فردا دربارهٔ این باره می‌گوید: «من هم نمی‌خواهم بدون بررسی پرونده تک‌تک این افراد، اظهارنظری کنم که شبیه صدور حکم قطعی باشد. به هر حال، ممکن است دربارهٔ بعضی از افراد شرایط قانونی بازنشستگی فراهم بوده باشد، اما سؤال من این است: آیا می‌توان وضعیت استخدامی، قرارداد، سابقه، حقوق و تعهدات این افراد را با یک تصمیم کلی جمع‌بندی کرد و تکلیف همه را روشن دانست؟ آیا برای هر یک از این افراد پرونده مستقلی تشکیل و به‌طور کامل بررسی شده است؟ آیا تصمیم‌هایی که گرفته شده، فرصت دفاع و اعتراض را در اختیار آن‌ها قرار داده است؟»

او تأکید می‌کند: «من خودم معلم بودم و بیش از دو دهه در محیط آموزش‌وپرورش، در کنار تشکل‌های صنفی معلمان فعالیت کردم. در این سال‌ها بارها دیدم که یک تصمیم اداری، که شاید روی کاغذ فقط چند خط باشد، چگونه زندگی یک معلم یا کارمند را مختل می‌کند و چه پیامدهای بزرگی به همراه دارد؛ از نگرانی بابت اجاره خانه و هزینه درمان گرفته تا آینده فرزندان و امنیت اقتصادی خانواده‌ها.»

بیشتر در این باره:

«هزاران نفر» در آزمون استخدامی آموزش و پرورش به دلایل عقیدتی حذف یا تعلیق شدند



این فعال صنفی به حقوقی چون حق اشتغال، تأمین اجتماعی و حق دادخواهی در قانون اساسی جمهوری اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید اگر یک نهاد اداری به مصوبه هیئت امنا یا مقررات استخدامی استناد

می‌کند، این استناد نباید جایگزین رسیدگی دقیق به حقوق افراد شود.

عبدی همچنین بر ضرورت پیشبرد مطالبات از طریق تشکل‌ها تأکید می‌کند و ادامه می‌دهد: «اگر ما در تشکل‌های صنفی معلمان تلاش‌هایی انجام داده‌ایم و به موفقیت‌هایی رسیده‌ایم، استادان دانشگاه هم می‌توانند از طریق تشکل‌های خود اقدام کنند. تا جایی که من اطلاع دارم، استادان دانشگاه فرهنگیان نیز تشکلی دارند.»

تأثیرگذاری بر آمادگی معلمان و کیفیت آموزش مدارس

اهمیت پرونده بازنشستگی اجباری چهارصد استاد دانشگاه فرهنگیان فقط به وضعیت شغلی استادان محدود نمی‌شود. دانشگاه فرهنگیان نهاد اصلی تربیت معلم در ایران است و کیفیت آموزش در آن می‌تواند بر آمادگی حرفه‌ای معلمان و در نهایت بر کیفیت تدریس در مدارس اثر بگذارد.

احمدرضا نجفی، یکی از استادان بازنشسته‌شده، به شرق گفته است نسبت دانشجو به استاد در این دانشگاه به یک استاد در ازای ۸۰ دانشجو رسیده، در حالی که نسبت استاندارد مورد اشاره او یک استاد به ازای ۳۰ دانشجو است.

او گفت که فقط در استان تهران رئیس دانشگاه برای ۴۰۰ عضو هیئت‌علمی اعلام نیاز کرده و بخشی از کلاس‌ها با استفاده از استادان حق‌التدریس اداره می‌شود.

آقای عبدی نیز در این زمینه می‌گوید: «دانشگاه فرهنگیان در سال ۱۳۹۸، زمانی که پردیس‌های آن فعال بودند، ۹۴ هزار دانشجومعلم داشت. این رقم نشان می‌دهد که با نهادی روبه‌رو هستیم که مسئولیت بزرگی در تربیت نیروی انسانی آموزش‌وپرورش بر عهده داشته و همچنان دارد.»

او می‌گوید دولت طبق اصل ۳۰ قانون اساسی موظف است آموزش رایگان را تا پایان دوره متوسطه فراهم کند اما آموزش رایگان مورد نظر، «آموزش رایگان بدون کیفیت» نیست.

این فعال صنفی با اشاره به روند نزولی کنونی کیفیت آموزش در مدارس ایران هشدار می‌دهد: «اگر به دنبال اصلاح نظام آموزشی هستیم، باید سرمایه‌های انسانی را تقویت کنیم، نه اینکه تجربه و دانش استادان و معلمان را به مسائل حاشیه‌ای اداری تقلیل دهیم.»

چالش کمبود شدید معلم در ایران

چالش دیگر مرتبط با این پرونده، کمبود شدید معلم در ایران و تأثیر این بازنشستگی اجباری بر تداوم کمبودها در این زمینه است.

وزیر آموزش‌وپرورش اخیراً کمبود معلم در ایران را حدود ۹۰ هزار نفر اعلام کرده، اما برخی تشکل‌های صنفی معلمان این رقم را بیشتر برآورد کرده‌اند.

آقای عبدی می‌گوید: «ما با کمبود حدود ۳۰۰ هزار معلم روبه‌رو هستیم. البته در تریبون‌های رسمی اعداد پایین‌تری اعلام می‌شود، اما تحقیقات میدانی ما نشان می‌دهد که در بخش آموزش با چنین کمبودی مواجه هستیم.»

به گفته او، اضافه‌تدریس معلمان و استفاده از نیروهای بازنشسته معمولاً بخشی از این کمبود را جبران می‌کند؛ موضوعی که ابعاد چالش نیروی انسانی در نظام آموزشی را به‌خوبی نشان می‌دهد.

همچنین این ارقام نشان می‌دهد کنار گذاشتن بخشی از نیروهای باتجربه مراکز تربیت معلم می‌تواند ظرفیت آموزش و آماده‌سازی معلمان آینده را تحت فشار قرار دهد.



بیشتر در این باره:

جبران کمبود «۱۷۶ هزار معلم» در ایران با نیروهای خرید خدمات و بازنشستگان

تأثیری بر انگیزه‌های ورود به حرفه آموزش خواهد داشت؟

آقای عبدی دربارهٔ تأثیر احتمالی این نوع تصمیم‌ها بر انگیزه نسل جوان برای ورود به حرفه‌های آموزشی نیز می‌گوید: «وقتی یک دانشجومعلم می‌بیند استادانی که سال‌ها در حوزه تربیت معلم فعالیت کرده‌اند، ناگهان با تصمیم‌های بحث‌برانگیز اخراج یا بازنشسته می‌شوند و بلاتکلیف و خانه‌نشین می‌مانند، طبیعی است که دربارهٔ آینده خودش سؤال‌هایی برایش ایجاد شود. به نظر من، این اتفاق فقط بر زندگی این استادان عزیز تأثیر نگذاشته، بلکه بر اعتماد نسل‌های بعدی معلمان به نهاد آموزش هم تأثیر می‌گذارد.»

او هشدار می‌دهد: «اگر می‌خواهیم جوانان باانگیزه وارد حرفه معلمی شوند، باید این حرفه را به شغلی شایسته، محترم و دارای آینده تبدیل کنیم. نمی‌توانیم از معلم انتظار داشته باشیم که آینده دیگران را بسازد، اما خودش دربارهٔ آینده‌اش احساس ناامنی کند. جامعه‌ای که معلم و استادش نگران نان، درمان، بیمه و امنیت شغلی خود باشند، در واقع با خطر بی‌انگیزگی نسل آینده هم روبه‌رو خواهد شد.»

در مجموع، بازنشستگی اجباری صدها استاد دانشگاه فرهنگیان فقط یک پرونده اداری و استخدامی نیست.

این بازنشستگی اجباری در نهایت می‌تواند منجر به تضعیف ثبات شغلی در نظام آموزشی شود و پرسش‌هایی جدی دربارهٔ آینده نظام تربیت معلم و توان آن برای پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی کشور ایجاد کند.



بیشتر در این باره:

رقابت آمار ترک تحصیل؛ «زنگ خطری» که به صدا درآمده است

این مطلب بخشی از:

اجتماعی | بایگانی | فراتر از خبر

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.